

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدى عرفاتى</p>		<p><b>حديث روز:</b></p> <p>امام حسن عسکرى (ع)</p> <p>جدل مکن که ارزشى می‌رود و شوى مکن که بر تو دلیر شوند.</p>
<p><b>پلک احساس:</b></p> <p>اى قصه‌تو و من چون قصه شب و روز</p> <p>پیوسته در پی هم‌اما بدون دیدار</p>		<p><b>اوقات شرعى:</b></p> <p>اذان ظهر: ۱۳/۱۱</p> <p>غروب آفتاب: ۲/۱۰</p> <p>اذان مغرب: ۲/۳۰</p> <p>نیمه شب شرعى: ۰۰/۲۴</p> <p>اذان صبح (فردا): ۴/۳۴</p> <p>طلوع خورشید(فردا): ۶/۱۴</p>
<p><b>پيش بينى آب و هوا جمعه</b></p>		<p>تهران ۲۵ / ۳۳</p> <p>همدان ۱۸ / ۳۰</p> <p>اراک ۱۸ / ۳۳</p> <p>اهواز ۳۲ / ۴۸</p> <p>بندرعباس ۳۱ / ۳۹</p> <p>زاهدان ۱۹ / ۳۸</p> <p>مشهد ۱۹ / ۳۱</p> <p>اروميه ۱۴ / ۲۹</p>
<p><b>حکمت ۳۱۹:</b></p> <p>حضرت علی فرمود: اى فرزند بدم دارم که تو فقیر شوى، پس به خدا پناه ببر از فقر؛ زیرا فقر سبب نقص در دین است و سرگردانى عقل و ایجاد دشمنى است....</p>		<p><b>نهج البلاغه</b></p>



## فقط به خودمون خندیدیم

**گفت‌وگو با رضا رفیع؛ شاعر، نویسنده و طنزپرداز**

🗨️ بای بیسم!...



علی‌مظاهری

روزنامه‌نگار

🗨️ **مشکلی داریم؛ از شما بپرسیم یا دانشمند مجلس؟**

اولاً که مشکل شما به خودتان مربوط است. ما خودمان هزار و یک مشکل داریم که مپرس... در ثانی، بنده هم در خدمتم. هرچند که حقیر، استادی بیش نیستیم.

🗨️ **این دانشمند مجلس اصلا کی هست؟**

طوری که خود حضرت حافظ، گرا داده، باید بازپرس بوده باشد؛ ولی خب احتمال این‌که ابوالمشاغل هم بوده باشد، هست. بعضی‌ها چون کشته مرده خدمتگزاری به مردم‌اند، یک شغل و یک کار، ارضاشان نمی‌کند. مثل ایر و باد و مه و خورشید فلک درکارند. صبح تا شب (و بالعکس) می‌کارند.

🗨️ **استاد چه جور میشه توُنُخ شما رفت؟**

باید زرنک باشی، بتونی سرنخ رو پیدا کنی... روش‌های دیگر نخ نماس. اجازه بده یک اتمام حجت؛ بری تو نخم، میرم تو نخت.

🗨️ **چه وقت سوزن سوزن تون میشه؟**

وقتی که نخ گیرم نمید. منظورم نخ بخیه است. کسانی که اهل عمل اند، بهتر می‌دانند...

🗨️ **راستی موی دماغ کیا حتما میشین؟**

شاعر میگه: موی دماغو توی آینه دیدم... قیچی آوردم، سر اونو چیدم... سعی می‌کنم موی دماغ اونایی بشم که مثلاً یک زنگ بزَن به دوستانشون در لواسان، کلی ویلا به اسمشون می‌کنند... و امثالهم.

🗨️ **و توی نخ کی هیچ وقت نمیرین؟**

مردم معمولی، که دنبال یک لقمه نان آمیخته به کووبد - ۱۹ از صبح تا شب جون می‌کنند.

🗨️ **مزاحم کیا بشین ثوابش بالااست؟**

مزاحم آدم‌های خلاف و مزاحم آدم‌های درست و حسابی.

🗨️ **چه وقت مور مور تون میشه؟**

وقتی که به ضرورتی میرم روی ویبره... نمی‌تونم حرف بزنم...

🗨️ **خونه من از خونه قهرم خیلی خیلی بزرگ‌تره؛ به نظرتون جهنمی میشم؟**

نه، کی گفته؟... همه چی بستگی داره.

🗨️ **کسی که خیلی ادعای عاشقیت داره و توصیه حکیمانه شما رو می‌خواد؟**

بیش به خصوص در این شرایط حساس کنونی میمگ که رفیق... گشنگی نکشیدنی که عاشقی از سرت بپره.

🗨️ **به کیا فیض تون مستدام می‌رسه؟**

به نیازمندان به لبخند زبان مشترک همه آدم‌ها؛ حتی شما.

🗨️ **از سر کیا فیض تون زاده؟**

اونایی که حس می‌کنم خبیث‌اند... دورو هستند و اهل غیظ تا فیض... تا پشت کنی، زسرت‌بت رو می‌زنن.

🗨️ **از کیا فیض تون رودیغ می‌کنین؟**

در بالا گفتم که... اون قدر اصرار می‌کنید تا خدای نکرده اسم ببرم... من یک آدم عادی طنزپردازم که از بیکاری به این شغل روی آوردم.

🗨️ **فرق فیض شما وفیض روح القدس؟**

فیض من گاه هست و گاه نیست، کسی هم باهاش به جایی نمی‌رسه.

🗨️ **اگه همه انگشتاتون رو قلم‌کنن باهاش چی می‌نویسین؟**

از درد مردم... هنر باید با انسانیت همراه باشد. انسان بودن بالاترین هنرهاست.

🗨️ **طرف هنر داره؛ اما اخلاق نداره؟**

اصلاً نمی‌خوام ببینمش... حتی خواستگار هم نداره.

🗨️ **زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست؟**

به شرطی که ماست رو نرزییم روی قیمه.

🗨️ **سمت تلخ خیار رو به کی تعارف می‌کنین؟**

با حفظ بیعت، به سمت خودم... خنک آن که آسایش مرد و زن /گزیند بر آسایش خویشتن.

🗨️ **از حواله‌جات تون بگین؟**

اخیراً که اوضاع جوری شده که از صبح تا شب داریم حواله می‌دهیم... حتی گاهی توی خواب... جوری که اطرافیان نقل می‌کنند؛ دیدم به خواب خوش که...

🗨️ **آستین چه کسی رو بگردیم جن تا مارتوله پیدا می‌کنیم؟**

آستین هر کسی رو که لجام و لگام نفس سرکش جا خوش کرده در روح و جان و دل و اندیشه‌اش را به امان خدا که نه، به امان شیطان رها کرده.

🗨️ **واژه‌مدیر و مسوولی درین باره سوال کنی؟**

به زبان حال (اگر نه قال) به شما شفاف پاسخ می‌دهد که؛ من نبودم دستم بود، تقصیر آستینم بود.

🗨️ **یکی می‌گفت روده فلانی راست راسته مثل حرف‌هاش؟**

وا... یکی دیگه گفته، اون وقت یقه منو گرفتید؟...

فکر کنم گرفتید مارو... خب لابد آندوسکوپی یا سونوگرافی کرده و یک چیزی به چشم خودش دیده. الکی که دروغ نگفته

🗨️ **در باره کیا صادق؛ رویاهایی که توی شکم شون هست دم شون هم به هم نمی‌خوره؟**

در مورد همه صادق است. شهرام بهرام ندارد.

حتی در مورد من نیز هم... حتی در مورد شما که ایستادن بیجای شما مانع کسب ماست... رویاه اسمش بد در رفته...

🗨️ **به نظر صائب‌تون چرا این رویاه‌ها گازشون نمی‌گیرن؟**

خب لابد هنوز گاز کنشی نشدن... بعدشم وقتی می‌فرمایید به نظر صائب؛ بروید از خود صائب تبریزی بپرسید. عجب گیری کردیم‌ها... این روزها هر کی سوالی یا مشکلی داره، از ما طنزپردازها می‌پرسه... پس بقیه چه کار می‌کنند؟...

🗨️ **از قوانین طبیعت که درباره شما چپکی عمل کرد؟**

قانون سوم نیوتن، والا ما که هرچه لبخند ایجاد کردیم و ملت رو خنداندیم، دست‌مزدی که گرفتیم، در حدی نبود که ما رو بخندونه... فقط به خودمون خندیدیم و به فیش حقوقی مون در روزنامه.

🗨️ **همیشه چی روی رای کی ثابت می‌کنین؟**

هیچی رو برای هیچ‌کس... حوصله داری. تا بدانجا رسید دانش من / که بدانم همی که نادانم

🗨️ **گلیم بخت شما میگن خیلی روش سفیده؟**

راویش اهلیت نداشته یا حواسش نبوده...

🗨️ **من نمی‌فهمم؛ شما چقدر می‌فهمین؟**

اتفاقاً شما که اینجوری می‌گید، معلومه که از من بیشتر می‌فهمید. هرکس که گفت من از همه بیشتر می‌فهمم، بدانید و آگاه باشید که از همه کمتر می‌فهمد...

🗨️ **پنجم بدین استاد؟**

به قول دوست شاعر و طنزپردازم زنده یاد استاد عمران صلاحي؛ کوتاه بیا تا که درازت نکنند.

🗨️ **قصد تجدید فراش با عجزه دنیا رو دارین؟**

باز هم اشتباه به عرضتون رسوند... ما همون بار اول را هنوز مرتکب نشدیم، تا چه رسد به تجدید وضو.....

🗨️ **چه چیز تون از شماست که بر شماست؟**

روحیه طنز من... یک لحظه راحتم نمی‌گذار.

🗨️ **چی‌تون خیلی به نفع تون کار کرد؟**

بداهه‌گویی‌ام... باعث شد که تنها طنزپرداز باشم که بتوانم برنامه طنز زنده اجرا کنم. آن هم در رسانه. آن‌هم‌تر (ا) در تلویزیون...

🗨️ **جرات داشتن چه کسی رو نقد می‌کردین؟**

نکنه... بای شیطون.

🗨️ **شنیدم بهتون بعضی‌ها میگن حکیم بس که بلا دیده‌این؟**

بیخود کردند. هفت جد و آباء خودشان حکیم‌اند. ما عرض کردیم که یک آدم معمولی هستیم که بعضی از حکیمان معاصر با ما مشورت می‌کنند. کار را عرض کردیم که استادی بیش نیستیم...

🗨️ **کاش بهش بله نمی‌گفتین؟!**

من نگفتم به خدا... من ملک بودم و فردوس برین جایم بود/ آدم آورد در این دیر خراب آبادم... اسنادش هم موجود است. روکنم یا در همین حد نیمرو کفایت می‌کند؟...

🗨️ **با یک نه مشکل حل می‌شد ولی دلتون نیومد بگین؟**

بالاخره ما هم آدمیم. می‌خواین کارت ملی ام را نشان بدم؟ تازه، هوشمند هم هست... اوایل دهه ۲۰، در ضمن غزلی جدی گفته بودم؛ قصد ما یک لحظه بودن در کنار دوست هست/ زین جهت گاهی گناهی هم ز ما سر می‌زنند... و به قول حضرت حافظ؛ جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد/ ما را چگونه زبید دعوی بی‌گناهی؟

🗨️ **نایابه درین دوره زمنوه؟**

گفتند یافت می‌نشود، جست‌ه ایم ما/ گفت؛ آن‌که یافت می‌نشود، آنم آرزوست. مولانا میگه، من نگفتم (جهت رعایت کبی رایت)

🗨️ **کجا؛ چرا؛ سماجت به خرج میدین؟**

چون واقعا دوست دارم خب... الکی و تصنعی و محض رفع تکلیف نیست. از ته دل عاشق این سه مفهوم: آزادی، عدالت و مادرم... چیه؛ مشکلی دارید با من؟!

🗨️ **کیا آمار سن و سال شون رو پایین و بالا میکنن؛ چرا؟**

چو انداختند که جماعت محترم نسوان... اما من تا به چشم خودم ننبینم، باور نمی‌کنم. ما یک پسر خاله‌ای داشتیم اوایل دهه ۶۰ که لایک‌زدن هنوز اختراع نشده بود؛ اسمش محمود بود و همبازی من... چون عاشق بچهه رفتن بود، رفت یواشکی شناسنامه‌اش رو برداشت، سنش رو دستکاری کرد، زیادش کرد. در ۱۳ سالگی در بستان شهید شد رفت. در عملیات طریق القدس... آخرین باری هم که دیدمش یک لطفه برام تعریف کرد و خودش هم کلی خندید کاش می‌شد تعریف کرد... منظور این‌که اون موقع اگه جعل سند هم می‌کردند یا سنی و نرخی رو افزایش می‌دادند، این مدلی بود... یاد باد آن روزگاران یاد باد.

🗨️ **از قوانین طبیعت که به بعضی‌ها خیلی ستم کرده؟**

البته بیشتر قانون جنگل است اگر حقوقدان باشید. اما یکیش اینه که گفتند؛ برو قوی شو! راحت جهان طلی؛ که در نظام طبیعت، ضعیف پامال است. خب چرادر طول تاریخ (الی یومنا هذا) باید اینجوری بوده باشد؟... مگر دنیا شهر هرت است؟

🗨️ **آخرین و تازه‌ترین حواله‌ای که کردین؟**

دیدم با این‌که یک کارمند و روزنامه‌نگار و نویسنده و شاعر و طنزپرداز و مجری‌ای پاره‌وقت بیش نیستم، اما مشمول دریافت سهام عدالت و یارانه و سبد کالا نمی‌شوم. فی‌المجلس حواله کردم به خدا... گفتم خودت بگیر... باز من که خوبه؛ خواجه شیراز میگه که قومی دگر حواله به تقدیر می‌کنند (اینا دیگه کی اند؟) ... از تدبیر و امید رسیدند به تقدیر و امید.

🗨️ **در این باره که از چه راهی**

**خونه به دست آورده باشی و داخلش چه کار**

**بکنی؟**

طرف گاهی یک خونه ۲۰ متری دارد (که قرار شده مسوولین روش کار کنن)، اما در همون حد به دنیا چسبیده و دلش نمیاد ولش کنه؛ گاهی هم ممکنه طرف چنان از تعلقات دنیا ببری و عاری باشه که یک خونه پنت‌هاوس دار و درندشت کذا بی هم نتونه گولش بزنه و همیشه زیر لب زمزمه کنه که؛ این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست... طرف از هر راهی کسب درآمد کرده و صداها کلاه برداشته و اختلاس و پولشویی کرده و رشوه گرفته (البته گاهی هم رشوه‌ها توی کیف بوده و متوجه نشده بنده خدا خیال کرده براش سبزی صحرایی آوردند)؛ اون وقت قصری ساخته و بر سر درش نوشته؛ هذا من فضل ربی.

🗨️ **در باره اونایی که به هر شکلی دروغ می‌گن و حق**

**مردم رو می‌خورند؛ یک دوغ آب‌علی هم روش؟**

اینجاست که در مکتب گل آقا چون بزرگ شدم؛ عین دانشمند فرهیخته شاغلام عوام یا فرزانه مادر زاد غصنفر بیسواد، یک زبان دارم دوتا دندان لق / می‌زنم تا می‌توانم حرف حق

🗨️ **اون کاری که توی**

**خلوت میکنن چه**

**کاربه؟**

اگر منظور تان

و اعطانی هست

که حافظ میگه

در محراب و منبر

حضور ارجمندی

دارند و ملت را موعظه

می‌فرمایند؛ اما بعضا

ممکن است خدای نکرده واعظ

غیرمتعظ باشند اصلاً حا و خود

به فرمایشات متین و ارزشی

خودشان عمل نکنند؛

خوب به بنده سرا پا تقصیر چه؟... به قول شاعر، بروید از خودشان بپرسید. بنده اخلاق اینگونه است که اصلا و ابدا به حريم خصوصی و خلوت ديگران سرک نمی‌کشم. برعکس این همسايه ما و سعدي که نمی‌بيند و می‌خروشد... گاهی از چشمی در هم نگاه می‌کند ببیند چیزی می‌بیند؟...

فلذا است که باید گفت: «عوضِ دِبا... اگر خلق، غیب دان بودی... دمِ عید قربان، قریون خدا برم من که می‌بیند و می‌پوشد.

🗨️ **اصل و بدل چقا فرقی نداره؟**

به چشم اه‌لش... اگه اهل هستی، بگم... هرچند دوره بگم بگم هم گذشته... البته تا منظور از اصل و بدل چی باشه و در چه موردی باشه؟... مثلا رفاقت اصلش خوبه. ایمان اصلش خوبه. جنس خارجی، اصلش خوبه... اما اگر اعتقاد داشته باشی که تراز کنگره عرش می‌زنند سفیر؛ اونوقت در این دام‌که، اصل و بدل برایت فرقی نمی‌کند. اصل اوست و الباقی همه بدل... عضو علی‌البدل

🗨️ **نگارن چی هستین؟**

نگارن نگرانی‌های مردم.

🗨️ **اون چیزی که نگرانش نیستین؟**

فرداست، چون می‌تونم و از بالا بهم گفتن که خدایی هست و قطعاً خودش همه چی رو ردیف می‌کنه.

🗨️ **اگه مصلحت بود اینجای مصاحبه چی بیخ‌گوش من می‌گفتین؟**

کوتاهش کن رفیق... عمر برف است و آفتاب تموز 🌞

عکس: چاووش هماوندی



**شرکت در نظرسنجی روزنامه جام جم**

همراهان روزنامه جام‌جم ضمن تقدیر و تشکر از ۲۰ سال همراهی شما بزرگواران؛ روزنامه جام‌جم بقا و حیات خود را در رضایت شما خوبان می‌داند. بر این اساس به منظور آشنایی بیشتر با نظرات شما بزرگواران خواهشمندیم فرم نظرسنجی روزنامه را تکمیل و برای ما ارسال کنید. شما می‌توانید با اسکن QR code به سامانه نظرسنجی روزنامه متصل شوید و یا با ارسال عدد ۱ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ منتظر تماس تلفنی همکاران ما باشید. ضمناً لینک نظرسنجی در سایت روزنامه به نشانی [www.jamejamdaily.ir](http://www.jamejamdaily.ir) نیز در دسترس است.

با سپاس  
مدیریت ارتباطات موسسه جام‌جم